

دوفصلنامه مطالعات اعتبارسنجی حدیث
سال سوم، شماره یکم (پیاپی ۴)
بهار و تابستان ۱۴۰۴ ص ۱۱۵ - ۱۳۳

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۱/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۱
مقاله علمی پژوهشی

انتساب «الإيضاح» به فضل بن شاذان و بازشناسی عنوان آن

مرتضی آرپناهی^۱

سید علی ابطحی^۲

چکیده

انتساب کتاب «الإيضاح» به فضل بن شاذان نیشابوری (م. ۲۶۰ هـ) یکی از مباحث بحث برانگیز در پژوهش‌های کلامی و تاریخی است. برخی از پژوهشگران با استناد به شواهد نسخه‌شناسانه و داده‌های آمده در کتاب، این انتساب را معتبر و دسته‌ای دیگر از آنان در صحت آن تردید دارند. این اختلاف‌ها درحالی است که دو گزارش مهم، یکی از کتاب تازه چاپ «مثالب النواصب» از ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ هـ) و دیگری از کتاب «تفضیل الأئمة» حسن بن سلیمان حلّی (زنده در ۸۰۲ هـ) نشان می‌دهد که با وجود برخی ابهامات انتساب کتاب «ایضاح» به فضل بن شاذان صحیح است. بررسی این نقل‌ها نشان می‌دهد که با وجود برخی ابهامات، انتساب کتاب «الإيضاح» به فضل بن شاذان با تکیه بر شواهد موجود، قابل دفاع است؛ جز این، با کمک این دو گزارش و شواهد نسخه‌شناسانه، به احتمال زیاد کتاب «الإيضاح» در گذشته با نام «التنبیه من الحیرة و التیه» شناخته می‌شده و تغییر عنوان آن در طول زمان اتفاق افتاده است.

کلید واژه‌ها: فضل بن شاذان، الإيضاح، التنبیه، مثالب النواصب، تفضیل الأئمة.

۱. دانش پژوه سطح ۳ رشته علوم حدیث مؤسسه معارف اهل بیت قم (نویسنده مسئول) (arpanaahai@gmail.com)

۲. دانش پژوه سطح ۳ رشته کلام امامیه مؤسسه معارف اهل بیت قم (saabtahi52@gmail.com)

مقدمه

انتساب کتاب‌ها به نویسندگان آن‌ها در تاریخ علوم اسلامی، یکی از مسائلی است که همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این راستا، انتساب کتاب «الإيضاح» به فضل بن شاذان نیشابوری (م. ۲۶۰ هـ)، متکلم امامی قرن سوم هجری، یکی از مسائلی است که به‌ویژه در حوزه کلام شیعه محل بحث و تحقیق بوده است؛ زیرا در صورت صحت انتساب کتاب «الإيضاح» به فضل، این اثر می‌تواند بازتابی از جریان کلام مقارن و تطبیقی شیعی دوران پیش از غیبت امام عصر باشد که راهگشای بسیاری از مسائل تاریخی در خصوص تحولات اندیشه‌های کلامی امامی است.^۱

این کتاب که از متون مهم کلامی در عصر خود به شمار می‌رود، در برخی از منابع و نسخه‌های خطی به فضل بن شاذان نسبت داده شده، درحالی‌که انتساب این کتاب به فضل با تردید برخی محققان مواجه شده است. آنان با اشاره به سبک پیشرفته و محتوای خاص این کتاب، نگارش آن در قرن سوم را بعید می‌دانند؛ درحالی‌که با توجه به نبوغ فضل، نگارش چنین اثری از او دور از انتظار نیست، از طرفی نمونه‌های مشابهی از این سبک نگارش در آن دوران همچون المعیار و الموازنة اسکافی (م. ۲۴۰ هـ) و نقض الإشهاد ابن قبه رازی (م. اوایل قرن ۴ هـ) نیز وجود دارد. برخی نیز به دلایلی چون عدم ذکر کتاب توسط قدما تمسک جسته‌اند که با توجه به مطالب پیش رو، این نکته قابل توجیه خواهد بود. استفاده از لفظ فرائض در بحث موارد نیز تناقضی با نگارش این کتاب توسط عالمی شیعی چون فضل ندارد؛ زیرا استفاده از این لفظ به معنای پذیرش نظر عامه در مورد بحث ارث نمی‌باشد و به گفته شیخ طوسی، فضل آثار مستقلی با عنوان کتاب الفرائض الکبیر و کتاب الفرائض الصغیر در بحث ارث دارد^۲ که از لفظ فرائض در عنوان این آثار هم استفاده

۱. برای گزیده دیدگاه‌های فضل در ایضاح، نگر: بیات مختاری، خورشید شرق در سده سوم؛ فضل بن شاذان نیشابوری، ص ۶۱۶ به بعد.

۲. شیخ طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم، ص ۳۶۱.

کرده است.^۱

پژوهشگرانی که این کتاب را به فضل بن شاذان نسبت می‌دهند، پس از پاسخ به دلایل مخالفین، برای اثبات این ادعا شواهدی نیز مطرح کرده‌اند:

بررسی متن کتاب «الإيضاح» و سنجش آن با گرایش‌های کلامی ابن شاذان به عنوان متکلمی امامی در اواخر دوران حضور.^۲

شهرت انتساب این کتاب به فضل در میان متأخرین.^۳

وجود نام فضل بن شاذان در برخی از نسخه‌های خطی «الإيضاح» به ویژه نسخه‌های قدیمی‌تر، از جمله نسخه‌ای که در رمضان ۱۰۷۲ هـ از روی نسخه‌ای به تاریخ ۶۰۵ هجری استنساخ شده است.^۴

نقل حدیث از مشایخی که در طبقه اساتید فضل بن شاذان هستند.^۵

در کنار شواهد پیش گفته، یکی از مهم‌ترین و معتبرترین روش‌ها برای صحت سنجی انتساب کتاب‌ها، بررسی نقل‌های نویسندگان پسین از آن کتاب با ذکر نام مؤلف اصلی است؛ به عبارت دیگر، اگر نویسندگانی که پس از مؤلف می‌زیسته‌اند

۱. برای مشاهده تفصیلی ادله مخالفین انتساب کتاب به فضل و پاسخ از این اشکالات، نگر: بیات مختاری، خورشید شرق در سده سوم؛ فضل بن شاذان نیشابوری، ص ۶۰۸-۶۱۴.

۲. فضل بن شاذان، الإيضاح (مقدمه محقق)، صص ۵۸-۵۹؛ حسن انصاری، گفتاری با عنوان: ابن رستم طبری متکلمی امامی با گرایش‌ات معتزلی که نمی‌تواند نویسنده الإيضاح باشد، منتشر شده در وبسایت بررسی‌های تاریخی به آدرس اینترنتی: <https://ansari.kateban.com/post?۲۶۷۶=۲۶۷۶>.

۳. بیات مختاری، خورشید شرق در سده سوم؛ فضل بن شاذان نیشابوری، ص ۶۰۱-۶۰۴.

۴. حسن انصاری، گفتاری با عنوان: نسخه کتاب المعیار والموازنة فضل بن شاذان نیشابوری، منتشر شده در وبسایت بررسی‌های تاریخی به آدرس اینترنتی: <https://ansari.kateban.com/post?۱۲۱۵=۱۲۱۵>؛ همو، گفتاری با عنوان: کتاب الإيضاح متنی از نیمه سده سوم قمری و بازتاب اندیشه‌های امامیه در آن، منتشر شده در وبسایت بررسی‌های تاریخی به آدرس اینترنتی: <https://ansari.kateban.com/post?۲۶۶۳=۲۶۶۳>.

۵. بیات مختاری، خورشید شرق در سده سوم؛ فضل بن شاذان نیشابوری، ص ۶۱۱-۶۱۴.

از کتابی با ذکر نام او نقل کرده باشند، این امر می‌تواند به عنوان شاهی استوار بر درستی انتساب به شمار آید.

در بهره‌گیری از این قرینه به نکاتی باید توجه داشت: اول اینکه هر چه نقل از آن کتاب کهن تر باشد، موجب اطمینان بیشتر به درستی انتساب کتاب می‌شود؛ دیگر اینکه تعدد این نقل‌ها نیز در درستی این انتساب بسیار تأثیر دارد.

دو نقل از «الإيضاح»

کتاب «الإيضاح» در جامعه علمی شیعه قرن ۱۱ هجری به بعد شناخته شده بوده و نقل‌های بسیار از آن وجود دارد؛ ولی در آثار پیش از این دوره، گزارش‌های چندانی از این کتاب نمی‌یابیم؛ البته با این حال، خوشبختانه دو گزارش از این روزگار به دست ما رسیده است^۲ که بررسی و تحلیل آن‌ها می‌تواند در تقویت اعتماد ما به انتساب کتاب «الإيضاح» به فضل بن شاذان بسیار مؤثر باشد؛ زیرا این دو نقل نسبت به نقل‌های دیگر کهن‌تر هستند:

مورد اول نقلی است که ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ هـ) در کتاب «مثالب النواصب» آورده است. او در این کتاب ضمن برشمردن منابع مختلف، به کتابی با عنوان «تنبيه الفضل بن شاذان» اشاره می‌کند و روایتی را از آن نقل می‌کند. این روایت به

۱. در میان متأخرین اولین کسی که از الإيضاح نقل‌هایی دارد، مرحوم فیض کاشانی (م. ۱۰۹۱ هـ) است که چند نقل مفصل از این کتاب دارد: الأصول الأصلية، صص ۱۱-۱۳ (موجود در الإيضاح: ص ۳-۴)؛ ص ۱۳-۱۴ (موجود در الإيضاح: ص ۹۴-۹۵)؛ ص ۱۴-۱۶ (موجود در الإيضاح: ص ۱۰۳-۱۰۶)؛ صص ۱۶-۲۵ (موجود در الإيضاح: ص ۱۰۹-۱۲۲)؛ همو، سفينة النجاة، ص ۱۰۲، برای موارد بیشتر نگر: فضل بن شاذان، الإيضاح (مقدمه محقق)، صفحه ۳۴-۴۳.

۲. از میان این دو گزارش، مورد اول یافته نویسندگان این مقاله است و نقل دوم پیش از این در یادداشتی با عنوان: «نکته ای درباره کتاب الإيضاح منسوب به فضل بن شاذان و کتاب التنبيه من الحيرة واليه» توسط آقای علی عادل زاده، مطرح شده بود؛ ولی برای تبیین بهتر مسئله و اشاره به نکاتی مجبور به تکرار آن شدیم.

این شرح است:

«وَرَأَيْتُ فِي تَنْبِيهِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ وَبَدَعَ الْكُوفِيَّ وَمَحَاضِرَاتِ الْإِصْفَهَانِيِّ وَكِتَابِ النِّسَاءِ لِلْجَاحِظِ^۳ وَفَضَائِلِ السَّمْعَانِيِّ^۴ وَمُسْتَصْفَى الْغَزَالِيِّ^۵ وَالْفَاضِلِ فِي الْبَلَاغَةِ عَنِ الْمُبَرِّدِ، أَنَّهُ قَالَ عُمَرُ يَوْمًا: أَيُّهَا النَّاسُ! مَا هَذِهِ الصَّدُوقَاتُ الَّتِي أَحْدَثْتُمْ؟ لَا يَبْلُغُنِي أَنَّ أَحَدًا تَجَاوَزَ بِصِدْقِهِ صِدْقَ النَّبِيِّ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ] إِلَّا اسْتَرْجَعْتُ مِنْهُ - وَفِي رِوَايَةٍ: إِلَّا أَدْبَتُهُ أَوْ عَاقَبْتُهُ - فَقَامَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ، فَقَالَتْ: مَا جَعَلَ اللَّهُ لَكَ ذَلِكَ يَا بَنَ الْخَطَّابِ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ أَحَدَهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا^۶ فَقَالَ: أَلَا تَتَعَجَّبُونَ مِنْ إِمَامٍ أَخْطَأَ وَامْرَأَةٍ أَصَابَتْ؟! نَاضَلْتُ أَمِيرَكُمْ فَتَضَلَّتْهُ»^۷

این نقل در کتاب «الإيضاح» به این صورت آمده است:

«وَرَوَيْتُمْ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ قَتَادَةَ أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ خُطِبَ لِلنَّاسِ فَقَالَ: أَلَا لَا أَعْلَمُ رَجُلًا تَزَوَّجَ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ أَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمٍ إِلَّا أَنَّهُ كُنْتُ عَقُوبَةً. قَالَ: فَاتَتْهُ امْرَأَةٌ فَقَالَتْ: مَا لَنَا وَلَكَ يَا عُمَرُ؟ قَوْلَ اللَّهِ أَعْدَلَ مِنْ قَوْلِكَ وَأَوَّلَى أَنْ يُتَّبَعَ، فَقَالَ عُمَرُ: مَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى؟ قَالَتْ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ أَحَدَهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا^۸ تَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ؟ الْآيَةُ - وَالْقِنطَارُ الدِّيَّةُ وَهُوَ أَكْثَرُ مِنْ أَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمٍ - فَقَالَ عُمَرُ: كُلُّ أَحَدٍ أَفْقَهُ مِنْ عُمَرَ، ثُمَّ عَادَ إِلَى الْمَنْبْرِ فَخُطِبَ فَقَالَ: أَيُّهَا

۱. منظور از کتاب «بدع الکوفی» الاستغاثة فی بدع الثلاثة از ابو القاسم کوفی است. برای این نقل نگر: ابو القاسم کوفی، الاستغاثة فی بدع الثلاثة، ص ۱۸۷.

۲. راغب اصفهانی، محاضرات الأدباء، ج ۱، ص ۱۰۱؛ همان، ج ۲، ص ۲۳۱.

۳. در میان آثار موجود از جاحظ چنین اثری به دست ما نرسیده است؛ ولی این نقل در العثمانیة جاحظ، ص ۲۳۰ آمده است.

۴. اطلاعی از این کتاب در دست نیست.

۵. ابو حامد غزالی، المستصفی، ص ۳۶۱.

۶. در کتاب الفاضل مبرد چنین نقلی یافت نشد.

۷. نساء، ۲۰.

۸. ابن شهر آشوب مازندرانی، مثالب النواصب، ج ۵، ص ۳۷-۳۹.

النَّاسُ! إِنِّي كُنْتُ نَهَيْتُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الرَّجُلُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ أَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمٍ وَإِنَّ امْرَأَةً أَفْقَهَ مِنْ عَمْرِ جَاءَتْني فَحَاجَّتْني بِكِتَابِ اللَّهِ فَحَجَّتْ وَفَلَجَتْ وَأَنَّ الْمَهْرَ مَا تَرَاذِي بِهِ الْمُسْلِمُونَ»^۱

برای آنکه بتوانیم گزارش موجود در «مثالب النواصب» را به عنوان قرینه‌ای بر انتساب کتاب «الإيضاح» به فضل بن شاذان در نظر بگیریم، لازم است به دو چالش موجود در این نقل پاسخ دهیم و ابهام‌های موجود در این نقل را برطرف کنیم.

اشکال اول: تفاوت‌های لفظی بین متن «مثالب النواصب» و متن «الإيضاح»

یکی از چالش‌های اصلی برای استفاده از گزارش «مثالب النواصب»، وجود تفاوت‌های قابل توجه در الفاظ و عبارات بین این گزارش و متن موجود در «الإيضاح» است. این تفاوت‌ها می‌تواند این شبهه را ایجاد کند که این دو متن مربوط به دو منبع متفاوت هستند و نمی‌توان گزارش «مثالب النواصب» را شاهی بر انتساب «الإيضاح» به فضل دانست.

با این حال، پاسخ این اشکال با دقت در نحوه نقل این گزارش توسط ابن شهر آشوب در «مثالب النواصب» آشکار می‌شود. ابن شهر آشوب، این گزارش را به منابع گوناگونی استناد می‌دهد و در مواردی که نویسنده مطلبی را از چند منبع مختلف نقل می‌کند، کاملاً طبیعی است که به دلیل تفاوت در متن آن منابع، تنها عبارت یکی از آن‌ها را یاد کند؛ در نتیجه متن نقل شده از سوی او ممکن است با متن سایر منابعی که به آن‌ها استناد داده، تفاوت داشته باشد.

با بررسی دقیق‌تر متن این گزارش در منابعی که ابن شهر آشوب به آنها اشاره کرده، به این نتیجه می‌رسیم که متن موجود در «مثالب النواصب» از کتاب «محاضرات الأدباء» اثر راغب اصفهانی (م. ح ۴۱۲ هـ)^۲ گرفته شده است.

۱. فضل بن شاذان، الإيضاح، ص ۱۹۴-۱۹۵.

۲. بر خلاف نظر مشهور که راغب را در گذشته به سال ۵۰۲ هجری دانسته‌اند، راغب در گذشته اوایل قرن پنجم و حدود ۴۱۲ هجری می‌باشد، برای توضیحات بیشتر، نگر: راغب اصفهانی، أفانین البلاغة (مقدمه محقق)، ص ۴۳-۴۷.

متن مورد نظر در «محاضرات الأدباء» به این صورت آمده است:

«و قال عمر رضي الله عنه يوماً: أيها الناس! ما هذه الصدقات التي أحدثتم؟ لا يبلغني أن أحداً تجاوز صدق النبي صلى الله عليه [وآله] وسلم إلا استرجعته منه. فقامت إليه امرأة فقالت: ما جعل الله ذلك إليك يا ابن الخطّاب، إنّ الله تعالى يقول: وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَاراً فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئاً، فقال عمر: أما تعجبون من إمامٍ أخطأ و امرأة أصابت. ناضلت أميركم فضلتّه.»^۱

اشکال دوم: انتساب متن به کتاب «التنبيه» به جای «الإيضاح»

اشکال دیگری که در مورد گزارش «مثالب النواصب» مطرح می شود این است که ابن شهر آشوب این متن را به کتابی با عنوان «التنبيه» از فضل بن شاذان نسبت داده است، نه به کتاب «الإيضاح» که موضوع بحث ماست. این مسئله این پرسش را ایجاد می کند که آیا «التنبيه» و «الإيضاح» دو کتاب جداگانه از فضل بن شاذان هستند یا اینکه این دو نام به یک کتاب اشاره دارند؟

برای پاسخ به این اشکال، باید به گزارش دوم از کتاب «الإيضاح» توجه کنیم که یکی از پژوهشگران معاصر برای نخستین بار در بررسی انتساب «الإيضاح» بدان اشاره کرده است.^۲ این گزارش از کتاب «تفضيل الأئمة على الأنبياء و الملائكة» اثر حسن بن سلیمان حلی (زنده در ۸۰۲ هـ) است. حلی در این کتاب گزارشی را به فضل بن شاذان نسبت می دهد که عیناً و بدون هیچ کم و کاستی در «الإيضاح» فعلی موجود است:^۳

«و من كتاب التنبيه للحيرة من الفضل بن شاذان النيسابوري: روی أبو يوسف عن

۱. راغب اصفهانی، محاضرات الأدباء، ج ۱، ص ۱۰۱؛ همان، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲. عادل زاده، یادداشتی با عنوان: نکته ای درباره کتاب الإيضاح منسوب به فضل بن شاذان و کتاب التنبيه من الحيرة و التيه، منتشر شده در وبلاگ آثار به آدرس اینترنتی: <https://alasar.blog.ir/> ۱۳۹۷/۰۷/۰۲/

. Izah

۳. فضل بن شاذان، الإيضاح، ص ۳۰۹-۳۱۱.

مجالد عن الشعبي: أنَّ عمر أتی النبی صلی الله علیه و آله و سلم بصحيفةٍ قد کُتِبَ فیها التوراة بالعربیة فقرأها علیه، فعرف الغضب فی وجهه فقال: أعوذ بالله و برسوله من سخطه، فقال النبی: لا تسألوا أهل الكتاب عن شیءٍ فإنهم لا یهدونکم وقد ضلّوا و عسى أن یحدّثوکم بباطل فتصدّقوهم أو بحق فتکذّبوهم فلو کان موسی بین أظهرکم لما حلّ له إلا أن یتبعنی»^۱

حسن بن سلیمان حلّی در این گزارش، همانند نقل «مثالب النواصب»، عبارت موجود در کتاب «الإيضاح» را به کتاب «التنبیه للحیره» نسبت داده است؛ با توجه به اینکه در دو مورد عبارات موجود در کتاب «الإيضاح» به کتابی با عنوان «التنبیه» نسبت داده شده است، باید بررسی کرد که این اختلاف در نام گذاری ناشی از چیست؟

بررسی عنوان کتاب

با ردیابی نام «الإيضاح» در منابع کتابشناسی درمی یابیم که این عنوان در سیاهه آثار فضل بن شاذان سابقه چندانى ندارد؛ چراکه در منابع متقدم کتابشناسی شیعه، یعنی فهرست شیخ طوسی و فهرست نجاشی در سیاهه آثار فضل این عنوان به چشم نمی خورد و در منابع پسینی، همچون فهرست شیخ منتجب الدین (م. ۵۸۵ هـ) و «معالم العلماء» ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ هـ) نیز یادی از عنوان «الإيضاح» نشده است و کهن ترین گزارش از این عنوان در میان آثار فضل، به «تلخیص مجمع الآداب» عبد الرزاق بن احمد معروف به ابن الفوطی (م. ۷۲۳ هـ) باز می گردد که کتابدار و فهرست نگاری عامی است.^۲

از طرفی دیگر با بررسی یازده نسخه خطی متقدم و مهم از کتاب «الإيضاح» دریافتیم تنها در پنج نسخه، کاتب و نام کتاب و نام «فضل بن شاذان» را ذکر کرده است؛ درحالی که سایر نسخه ها فاقد این مشخصه هستند؛ برای نمونه در نسخه

۱. حلی، تفضیل الأئمة علی الأئباء و الملائكة، ص ۲۳۱-۲۳۲، رقم ۷۰.

۲. ابن الفوطی شیبانی، تلخیص مجمع الآداب، ج ۱، ص ۵۳۴، رقم ۸۸۸.

مجلس به شماره «۹۷۴۰،۲»، نام مؤلف و کتاب توسط کاتب ثبت نشده، اما در ظهر نسخه، فردی دیگر عنوان المعیار و الموازنه را افزوده است. این احتمال وجود دارد که این نام از نسخه‌ای قدیمی‌تر با شناسه «۱۲۳۸۹،۱» در کتابخانه مرعشی که در انجامه آن عنوان المعیار و الموازنه آمده است، اقتباس شده باشد.

اما نسخ دیگر وضعیتی متفاوت دارند. نسخه شماره «۳۳۰۶۳» آستان قدس نام مؤلف و کاتب را ندارد؛ همچنین در نسخه شماره «۳۸» آستان قدس که براساس نسخه‌ای به تاریخ ۶۰۵ هـ کتابت شده، نام کتاب و مؤلف توسط خود کاتب نوشته نشده است؛ بلکه بعدها به خطی دیگر افزوده شده است. در نسخه شماره «۲۰۸۹۸» آستان قدس، کتاب با عنوان «إيضاح دفائن النواصب» و مؤلف آن با عنوان «محمد بن احمد بن علی بن الحسين بن شاذان القمی الذی یروی عنه الشیخ الکراجکی» معرفی شده است؛ با این تفاوت که در حاشیه نخستین برگ آن، عنوان دیباج للنسابوری با دست خطی دیگر اضافه شده است.

بررسی تمامی این نسخه‌ها نشان می‌دهد که همگی در چهار موضع دارای افتادگی مشترک هستند که کاتبان معمولاً به آن‌ها اشاره کرده‌اند؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که منشأ این نسخه‌ها، نسخه‌ای کهن اما ناشناخته بوده که در آن نیز نام کتاب نیامده است. این امر احتمالاً موجب اختلاف در تعیین نام کتاب در نسخه‌هایی که از روی آن نسخه اصل استنساخ شده‌اند شده و هر کاتب براساس گمان خود، آن را معرفی کرده است.

شایان ذکر است که نسخه‌ای دیگر از این کتاب با شماره «۲۶۷۸» در «مرکز احیاء میراث اسلامی» موجود است که از نظر ساختاری تفاوت‌های قابل توجهی با نسخه‌های مذکور دارد. در این نسخه نیز نام «الإيضاح» و مؤلف آن ذکر نشده است. محدث ارموی در تحقیقات خود، این نسخه را به عنوان برترین نسخه معرفی کرده است؛ هرچند که بخش پایانی آن از میان رفته است و نام مؤلف و کتاب را ندارد.

۱. به جز نسخه مرعشی که در دسترس نبود و از اطلاعات فهرس استفاده شده است، نگر: مصطفی درایتی، فهرستگان نسخ خطی ایران، ج ۵، ص ۴۵۲.

معرفی نسخه	نام کتاب	نام مولف	سال کتابت	افتادگی
۳۸۸۸/۱ سپهسالار	الایضاح	فضل بن شاذان	۹۹۰ هـ	-
۳۵۵۶/۳ احیاء آثار	الایضاح	فضل بن شاذان	احتمالاً قرن ۱۰ هـ	-
۶۶۰/۱ مجلس	الایضاح	فضل بن شاذان	قرن ۱۱ هـ	-
۲۱۰۵۲ مجلس	الایضاح	فضل بن شاذان	۱۳۵۷ هـ	-
۱۷۱۷۴/۲۱ مجلس	الایضاح	فضل بن شاذان	؟؟	افتادگی در آخر
۳۸ رضوی	الایضاح (به خط غیر کاتب)	ابن شاذان (به خط غیر کاتب)	۱۰۷۲ هـ	افتادگی در اول
۱۲۳۸۹/۱ مرعشی	المیعارو الموازنه	-	۱۰۷۳ هـ	-
۲۶۷۸ احیاء آثار	-	-	ق ۱۲ هـ	افتادگی در آخر
۲۰۸۹۸ رضوی	ایضاح دفائن النواصب	محمد بن احمد شاذان قمی	۱۲۵۶ هـ	-
۳۳۰۶۳ رضوی	-	-	۱۳۰۵ هـ	-
۹۷۴۰/۲ مجلس	المعیارو الموازنه (به خط غیر کاتب)	-	۱۳۳۷ هـ	-

با توجه عدم یادکرد از عنوان «الإيضاح» در منابع کتابشناسی متقدم و با در نظر گرفتن آشفتگی نام این کتاب در نسخه‌های خطی و از همه مهمتر، گزارش ابن شهرآشوب و حسن بن سلیمان حلی از کتاب «الإيضاح» فعلی، با عنوان «التنبیه والتنبیه للحیرة» به این نتیجه می‌رسیم که نام‌گذاری کتاب به «الإيضاح» با تردید جدی روبه‌رو است.

در این میان، برخی از پژوهشگران با توجه به اینکه در فهرست آثار ابن شاذان، عنوان «المعیار و الموازنة» ذکر شده^۱ و در برخی نسخه‌ها نیز نام کتاب به همین صورت آمده است، چنین نتیجه گرفته‌اند که نام اصلی کتابی که به دست ما رسیده «المعیار و الموازنة» است.^۲

برخی نیز کتاب موجود را همان کتاب «الديباج» فضل دانسته‌اند که شیخ طوسی در فهرست آثار خود به آن اشاره کرده است^۳ و عنوان «الإيضاح» را گونه تصحیف شده «الديباج» دانسته‌اند.^۴

با توجه به دو نقل مطرح شده از این کتاب با عنوان «التنبیه» (نقل ابن شهرآشوب و حسن بن سلیمان حلی) علاوه بر اینکه به درستی انتساب کتاب موجود به فضل اطمینان می‌یابیم، اطمینان نسبی نیز حاصل می‌شود که نام اصلی این کتاب «التنبیه» است.

نکته جالب توجه این است که شیخ طوسی در شمار آثار فضل بن شاذان، از کتابی با عنوان «کتاب التنبیه فی الجبر و التشبیه» یاد کرده است^۵ و در رجال

۱. ابو العباس نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۰۷، رقم ۸۴۰.

۲. حسن انصاری، گفتاری با عنوان: نسخه کتاب المعیار و الموازنة فضل بن شاذان نیشابوری، منتشر شده در وبسایت بررسی‌های تاریخی به آدرس اینترنتی: <https://ansari.kateban.com/post?1215> = post. ۱۲۱۵.

۳. شیخ طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم، ص ۳۶۲، رقم ۵۶۴.

۴. فضل بن شاذان، الإيضاح (مقدمه محقق)، ص ۱۲.

۵. شیخ طوسی، فهرست کتب الشیعة و أصولهم، ص ۳۶۲.

نجاشی نیز این عنوان به گونه‌ای تصحیف شده و به صورت «کتاب النسبة بین الجبرية و الثنوية» ذکر شده است؛^۱ ولی گویا این عنوان در این دو فهرست دستخوش تصحیف شده است؛ زیرا در نسخه‌های دیگر رجال نجاشی این عنوان به صورت‌های دیگری نیز آمده است از جمله: «النسبة بین الجبرية و البترية» و «النسبة بین الجبرية و التبرئة» و «النسبة بین الخيرية و الشریة»^۲ و در «معالم العلماء» ابن شهرآشوب که تتمه‌ای برای فهرست شیخ طوسی است از این کتاب با عنوان «التنبیه من الحيرة و التیه» نام برده است.^۳

با توجه به عنوان موجود در معالم العلماء که ظاهراً با دقت بیشتری ضبط شده و با عنایت به وجود عنوان «التنبیه» در دو نقلی که در نوشتار پیشین ذکر شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نام درست کتابی که از فضل بن شاذان به دست ما رسیده به احتمال قوی «التنبیه من الحيرة و التیه» است؛ به عبارت دیگر، سایر عناوین ذکر شده (در فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی)، گونه‌های تصحیف شده همین عنوان اصلی هستند؛ حتی عنوان «التنبیه للحيرة» که در «تفضیل الأئمة» آمده نیز به نظر می‌رسد اشتباه باشد؛ زیرا در کاربرد صحیح، مصدر «تنبیه» و مشتقات آن، با حرف «مِنْ» به کار می‌رود^۴ و کاربرد آن با حرف «لام» از نظر معنایی چندان صحیح نمی‌نماید.

درباره نام «الإيضاح» و شهرت کتاب فضل به این عنوان نیز می‌توان این احتمال را مطرح کرد که با توجه به محدود بودن نسخه‌های کتاب و عدم شهرت آن در میان متقدمین، چه بسا اکثر نسخه‌های کتاب نسخه اصلی داشته‌اند که کاتب آن با توجه به مطالب کتاب و متناسب با موضوع آن که نقد اهل سنت است و جریان‌های

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۰۷.

۲. خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۳۱۰؛ آقا بزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۲۴، ص ۱۴۵، رقم ۷۲۸، قهپائی، مجمع الرجال، ج ۵، ص ۳۱.

۳. ابن شهرآشوب، معالم العلماء، ص ۹۱.

۴. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۵۹؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۶، ص ۱۷۳.

کلامی انحرافی است از سوی خود نامی بر این کتاب گذاشته است.

چه بسا عنوان «المعیار و الموازنة» که در دو نسخه از کتاب آمده است نیز با توجه به وجود این عنوان در فهرست آثار فضل و متناسب با موضوع آن از سوی کاتب انتخاب شده است.

با توجه به شواهدی که گذشت، نظرات دیگر درباره نام این کتاب (المعیار و الموازنة و کتاب الدیباچ)، به ویژه نام «الیدیباچ» به دلیل نداشتن شواهد موافق و کافی و داشتن شواهد مخالف، درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در فهرست شیخ در توضیح این عنوان چنین آمده است: «کتاب جمع فيه مسائل متفرقة للشافعي وأبي ثور والأصفهاني وغيرهم، سماها تلميذه علي بن محمد بن قتيبة كتاب الديباچ»؛^۱ درحالی که اصلاً ابن شاذان از این افراد در کتاب «الإيضاح» نام نبرده است و فقط در یک مورد نقلی از «ابو ثور» دارد؛^۲ پس به صرف نزدیکی در کتابت و وجود احتمال تصحیف نمی‌توان ادعا کرد نام درست کتاب «الإيضاح» «الیدیباچ» است.

فقدان فقره پسینی نقل تفضیل الأئمة در الإيضاح

در پایان لازم است به نکته‌ای مهم درباره نقل حسن بن سلیمان حلی در کتاب «تفضیل الأئمة» اشاره شود تا از بروز اشکال در استفاده از این نقل برای تقویت انتساب کتاب «الإيضاح» به فضل بن شاذان جلوگیری شود.

توضیح این نکته آن است که بلافاصله پس از نقلی که از «التنبیه» فضل بن شاذان در کتاب «تفضیل الأئمة» آمده، عبارتی به این صورت ذکر شده است:

«و من كتاب المذكور أيضاً بحذف الإسناد عن سيدنا أمير المؤمنين عليه السلام و على ذريته قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنا سيد الأولين و الآخرين و أنت يا علي سيد الخلائق بعدي، أولنا كآخرنا و آخرنا كأولنا»^۳

۱. شیخ طوسی، فهرست کتب الشيعة و أصولهم، ص ۳۶۲.

۲. فضل بن شاذان، الإيضاح، ص ۴۴۲.

۳. حلی، تفضیل الأئمة، ص ۲۳۲، رقم ۷۱.

ظاهر این عبارت چنین تصویری را ایجاد می‌کند که این روایت نیز باید از کتاب «التنبیه» یا همان «الإيضاح» فعلی گرفته شده باشد؛ زیرا در پی نقل از کتاب «التنبیه» آمده است؛ در حالی که این نقل در کتاب «الإيضاح» فعلی موجود نیست؛ در نتیجه، یافت نشدن این روایت در «الإيضاح»، تردیدی جدی در درستی استناد به نقل کتاب «تفضیل الأئمة» به عنوان شاهی قطعی بر انتساب «الإيضاح» به فضل بن شاذان ایجاد می‌کند.

اما این تصور ابتدائی درست نیست؛ زیرا حسن بن سلیمان حلّی، همین روایت را در کتاب دیگر خود «المحتضر فی تحقیق معاینة المحتضر للنبی و آله» با تعبیری مشابه کتاب «تفضیل الأئمة» همراه با تصریح به منبع خود نقل می‌کند:

«ومن ذلك ما رواه السيد الجليل حسن بن كبش في كتابه بحذف الإسناد عن أمير المؤمنين قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنا سيد الأولين والآخرين وأنت يا عليّ سيد الخلائق بعدي، أولنا كآخرنا وآخرنا كأولنا»^۱

همانطور که مشاهده می‌شود، حسن بن سلیمان حلّی در کتاب «المحتضر» به صراحت منبع خود را برای نقل این روایت، کتاب «سید حسن بن كبش حسینی»^۲ ذکر می‌کند و مشخص است که این روایت را از کتاب «التنبیه» نقل نمی‌کند.

این تفاوت در نقل روایت در دو کتاب «تفضیل الأئمة» و «المحتضر»، نشان می‌دهد که احتمالاً در کتاب «تفضیل الأئمة» اشتباهی رخ داده است، چه بسا در این کتاب پیش از این روایت، روایتی دیگر از کتاب حسن بن كبش وجود داشته که

۱. همو، المحتضر فی تحقیق معاینة المحتضر للنبی و آله، ج ۵۰۴، رقم ۴۸۸.

۲. اطلاعاتی در باره او نیافتیم جز ترجمه مختصری در ریاض العلماء: «السید حسن بن كبش الحسینی: عالم نبیل جلیل فاضل من أصحابنا، وله كتاب جمع فيه الاخبار العديدة الجليلة. ذكره الشيخ حسن بن سلیمان تلمیذ الشیخ الشہید فی کتاب المحتضر و نسب الیه الكتاب المذكور و ينقل عنه الاخبار كثيرا. والظاهر أنه من المتأخرين قال في بعض مواضعه: السيد المرحوم، فلاحظ»: نگر: افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۳۰۰.

به دلایلی (مانند افتادگی صفحه یا اشتباه ناسخ) حذف شده است.

البته این احتمال نیز وجود دارد که با توجه به اینکه در میان منابع حسن بن سلیمان حلّی در کتاب «تفضیل الأئمة»، کتاب حسن بن کبش بیشترین بسامد را دارد،^۱ چه بسا حلّی چنین تصور کرده که برای مخاطب روشن و واضح است که منظور او در این نقل نیز همان کتاب حسن بن کبش است.

این احتمال با بررسی بیشتر در «تفضیل الأئمة» تقویت می شود؛ زیرا چند صفحه پیش از روایت مورد بحث، حسن بن سلیمان حلّی، چندین نقل از کتاب حسن بن کبش دارد. ابتدا حسن بن سلیمان با عبارت «ما رواه السید الجلیل حسن بن کبش رحمه الله في كتابه...» از این کتاب روایتی نقل می کند^۲ و کمی پس از آن، با تعبیر «ومنه أيضاً» باز هم از همان کتاب نقل می کند^۳ و بلافاصله پس از آن، دوباره با تعبیر «ومن كتاب المذكور أيضاً» از کتاب حسن بن کبش نقل می کند.^۴ استفاده از عبارات «ومنه أيضاً» و «ومن كتاب المذكور أيضاً» برای نقل از کتاب حسن بن کبش در فاصله های کوتاهی قبل از روایت محل بحث ما، نشان می دهد که در نقل روایت مورد بحث نیز منظور حسن بن سلیمان حلّی، همان کتاب حسن بن کبش بوده است.^۵

۱. در کتاب تفضیل الأئمة از هیچ کتابی به اندازه کتاب حسن بن کبش استفاده نشده است، زیرا بیش از ۴۵ نقل از کتاب حسن بن کبش در تفضیل الأئمة آمده است. فقط برای مشاهده موضعی که تصریح به اسم کتاب شده، مراجعه شود به: تفضیل الأئمة، ص ۱۹۱، رقم ۳۱؛ ص ۱۹۶، رقم ۳۹؛ ص ۲۰۰، رقم ۴۱؛ ص ۲۰۵، رقم ۴۶؛ ص ۲۰۸، رقم ۴۹؛ ص ۲۱۳، رقم ۵۳؛ ص ۲۱۴، رقم ۵۴؛ ص ۲۱۹، رقم ۶۲؛ ص ۲۳۴، رقم ۷۴؛ ص ۲۴۳، رقم ۸۷؛ ص ۲۶۷، رقم ۱۱۸؛ ص ۲۸۱، رقم ۱۳۷.

۲. همان، ص ۲۱۹، رقم ۶۲.

۳. همان، ص ۲۲۱، رقم ۶۶.

۴. همان، ص ۲۲۲، رقم ۶۷.

۵. حسن بن سلیمان در موارد مشابه نیز پس از تصریح به نقل از کتاب حسن بن کبش، روایات زیادی را با عباراتی همچون «ومنه أيضاً» و «ومنه» با عطف به مورد قبلی از این کتاب نقل می کند که بارزترین نمونه

در نتیجه، با استناد به این نقل نمی‌توان در درستی مطالبی که پیش از این گفته شد (انتساب «الإيضاح» به فضل بن شاذان و اینکه نام اصلی آن «التنبیه من الحيرة و التيه» است) تردید کرد؛ زیرا اساساً روایت دوم ارتباطی با کتاب «التنبیه» یا «الإيضاح» ندارد و فقط نقل اول از کتاب «التنبیه» فضل است.

آن در ص ۲۶۷، رقم ۱۱۸ است که در این رقم با عبارت «ما رواه السيد المرحوم حسن بن كبش في كتابه» از کتاب حسن بن كبش نقل می‌کند و پس از آن در ارقام ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵ و ۱۳۶ با عبارت مختصر «ومنه» از این کتاب نقل می‌کند.

منابع و مآخذ

کتب:

* قرآن کریم.

۱. آقا بزرگ تهرانی، محمد حسن، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت: دارالأضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ.
۲. ابن الفوطی شیبانی، ابو الفضل عبد الرزاق بن أحمد، تلخیص مجمع الآداب، تحقیق محمد کاظم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشید الدین أبو جعفر محمد بن علی، مثالب النواصب، تحقیق شیخ عبد المهدی اثنا عشری، نجف: دار الرضا علیه السلام، ۱۴۴۵ هـ.
۴. _____، معالم العلماء في فهرست كتب الشيعة وأسماء المصنّفين منهم قديماً و حديثاً (تمة كتاب الفهرست للشيخ أبي جعفر الطوسي)، تقديم محمد صادق بحر العلوم، نجف: المطبعة الحيدرية، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ.
۵. ابو العباس نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: انتشارات جامعه مدرّسين حوزه علمیه، چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.
۶. افندی، عبد الله بن عیسی بیگ، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۳۱ هـ.
۷. ابو القاسم کوفی، علی بن احمد، الاستغاثة في بدع الثلاثة، تهران: مؤسسه اعلمی، ۱۳۷۳ ش.
۸. ابو حامد غزالی، محمد بن محمد، المستصفی، تحقیق محمد عبد السلام عبد الشافی، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.
۹. ازدی نیشابوری، ابو محمد فضل بن شاذان، الإيضاح، تحقیق جلال الدین محدث ارموی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۰. ازهری، ابو منصور احمد بن محمد، تهذیب اللغة، تحقیق و تقدیم فاطمه محمد اصلان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ.

۱۱. بیات مختاری، مهدی، خورشید شرق در سده سوم: فضل بن شاذان نیشابوری، قم: مؤسسه کتابشناسی شیعه، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. جاحظ، أبو عثمان عمرو بن بحر بن محبوب، العثمانیة، تحقیق و شرح عبد السلام محمد هارون، بیروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ.
۱۳. حلّی عاملی، عزالدین ابو محمد حسن بن سلیمان، تفضیل الأئمة، تحقیق مشتاق صالح المظفر، قم: انتشارات مکتبه علامه مجلسی، چاپ اول، ۱۴۳۰ هـ.
۱۴. _____، المحتضر فی تحقیق معاینة المحتضر للنبي والأئمة، تحقیق مشتاق صالح المظفر، قم: انتشارات مکتبه علامه مجلسی، چاپ اول، ۱۴۳۰ هـ.
۱۵. خویی، سید ابو القاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، بی جا: بی نا، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ هـ.
۱۶. درایتی، مصطفی، فهرستگان نسخ خطی ایران، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد بن مفضل، أفانین البلاغة، تحقیق عمر ماجد عبد الهادی السنوی، اردن: أروقة للدراسات و النشر، چاپ اول، ۱۴۴۱ هـ.
۱۸. _____، محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء والبلغاء، بیروت: شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ.
۱۹. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، فهرست کتب الشيعة و أصولهم، تحقیق عبد العزيز طباطبائی، قم: کتابخانه محقق طباطبائی، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ.
۲۰. فراهیدی، ابو عبد الرحمن خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی، قم: دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الأصول الأصلية، تصحیح و تحقیق سید ابو القاسم نقیبی و حسن قاسمی، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۲۲. _____، سفينة النجاة و الكلمات الطريفة، تصحیح و تحقیق سید

علی جبار گلباغی، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۲۳. قهپائی، عنایت الله بن شرف الدین، مجمع الرجال، تحقیق ضیاء الدین علامه،
قم: اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
آدرس‌های اینترنتی:

۱. انصاری، حسن، ابن رستم طبری، متکلمی امامی با گرایشات معتزلی که نمی
تواند نویسنده الإيضاح باشد، [post?۲۶۷۶=https://ansari.kateban.com/post](https://ansari.kateban.com/post?۲۶۷۶=۲۶۷۶)،
(دسترسی در ۱۴۰۴/۶/۵ ش).

۲. _____، کتاب الإيضاح؛ متنی از نیمه سده سوم قمری و بازتاب
اندیشه‌های امامیه در آن (۱)، [post?۲۶۶۳=https://ansari.kateban.com/post](https://ansari.kateban.com/post?۲۶۶۳=۲۶۶۳)،
(دسترسی در ۱۴۰۴/۶/۵ ش).

۳. _____، نسخه کتاب المعیار و الموازنة فضل بن شاذان نیشابور
[post?۱۲۱۵=https://ansari.kateban.com/post](https://ansari.kateban.com/post?۱۲۱۵=۱۲۱۵)، (دسترسی در ۱۴۰۴/۶/۵ ش).

۴. عادل زاده، علی، نکته ای درباره کتاب الإيضاح منسوب به فضل بن شاذان و
کتاب التنبيه من الحيرة واليه، [Izah/۰۲/۰۷/۱۳۹۷/https://alasar.blog.ir](https://alasar.blog.ir/Izah/۰۲/۰۷/۱۳۹۷)، (دسترسی
در ۱۴۰۴/۶/۵ ش).